



مبلغان سایبری چهارده خورشید

اولین و بزرگترین دایرکتوری مجازی طلاب

www.14khorshid.ir

www.14khorshid.net

موضوع تحقیق:

تحقیقی کوتاه در مورد شیطان پرستی

نگارنده:

سید حمید رضا ذاکریان زاده

استاد راهنما:

حجت الاسلام افشار

مقطع تحصیلی:

پایه ی ۴

مرکز آموزشی:

مدرسه ی علی بن موسی الرضا (علیه سلام) یاسوج

سال تحصیلی:

۹۳-۹۴

مقدمه:

(جشن های نو پدید دینی) هر کدام در ادبیات علوم اجتماعی تعریف خاصی دارد. گروه های که پس از جنگ جهانی دوم، خصوصاً دهی هفتاد و ما بعد آن در غرب به ویژه آمریکا ظهور یافته و آگاهانه و عامدانه و یا به غفلت، متصدی ارائه ی پاسخ و برخی پرسش های غایی شده اند که ادیان اصلی پیش تر بدان ها بدان ها می پرداخته اند: آیا خدایی وجود دارد؟ خدا را باید کجا و چگونه یافت؟ هدف و معنای غایی زندگی چیست؟ و پس از مرگ چه اتفاقی می افتد؟ چه مناسک و شعاری به ارضای وجودی انسان می انجامد؟

این شبه تعریف، حتی برخی ادیان و فلسفه های الهادی همچون شیطان پرستی، برخی از فرقه های بودیزم و جنبش پتانسیل انسانی که اعضایش را و می دارد تا به دنبال (خدای درونی) باشند یا جنبش هایی مختلف اجتماعی را در بر می گیرد.

همه ی ادیان در زمان خود، نو ظهور تلقی می شدند: آنیمیسیم، یهود، مسیحیت، زرتست، اسلام، متودیسیم،... اما خصوصیت ویژه ای که در جنبش های معاصر وجود دارد و آنها را از ادیان سنتی جدا میکند، تکثیر و تنوع و التقاط گرای شدید است که در میان آن ها یافت میشود

تنوع این فرقه و ادیان به لحاظ سن اعضا، محل زندگی آنان

(شهر، روستا، زندگی مدرن یا پسا مدرن) نحوه ی (زندگی ریاضت بار در عزوبت یا غوطه ور در هرزگی جنسی)، اعمال و شعاعر (از سرود و نماز گرفته تا مدیتیشن، رقص و حتی قربانی کردن) آنقدر چشمگیر و عمیق است که شاید در آغاز امر وجود وجه تمایز واحدی میان این فرقه های اصلی قرار می گیرد.

در این مجال بر آن هستیم تا هر چند مختصر به شناخت، بررسی و تحلیل عقاید و میزان نفوذ این فرقه ی انحرافی در کشور، بپردازیم تا مورد رضای حق تعالی قرار گیرد.

مفهوم شیطان:

در مورد شیطان بر گرفته از (شطن یشطن) به معنی دور شدن می باشد (۱)

صاحب قاموس می نویسد:^۱

^۱ ابن منظور، لسان العرب: دارالصادر بیروت، ج. ۱۳، ص. ۲۳۷/۲۳۸

(شیطان وصف است نه اسم خاص آن روح شریر و به مناسبت دوری از خیر و رحمت حق تعالی وصف شیطان بر او اطلاق شده است).^۲

اما ابلیس موجودی است زنده با شعور مکلف نامرئی و فریب کار و...

که از امر خدا سر پیچید و به آدم سجده نکرده در نتیجه رانده شد و مستحق عذاب و لعن گردیده.^۳

ابلیس از ریشه بلس به معنی نا امید شدن گرفته شده و این موجود نامش ازرائیل بود. به همین دلیل ابلیس خوانده شد کلمه ابلیس در هر یازده بار که در قرآن آمده به صورت مفرد بکار رفته که نه مورد آن مربوط به استکبار و ابا از سجده می باشد ولی شیطان به صورت جمع هم می آمد و مراد ز او همان است که آمد: شیطان: نامی برای موجودی فوق طبیعی است که در بیشتر ادیان غربی و شرقی مرکز تجسم بدی می باشد شیطان در زبان های گوناگون به نام هایی مثل (ابلیس، اهریمن، دیو، لوسیفر، دوپیل، سیتین) خوانده می شود وقتی که یهودیت با دین ایرانی زرتشت تماس پیدا کرد بر عکس یکتا پرستا های اصیل ظاهر زرتشت دو خدا بود یک خدای خیر و یک الاهی شره نمونه هایی چون اهورا مزدا (دانای کل) دانش اورمزد (الاهی نور) و اهریمن روح شیطان و همچنین دانش انگره مینو (الاهی تاریکی) از این نمونه اند.

در بسیاری از شاخه های مسیحیت شیطان قبل از آن که از درگاه الاهی ترد شود موجودی روحانی یا فرشته الاهی در خدمت خدا بوده گفته میشود شیطان از درگاه خدا به دلیل غرور بیش از حد و خود پرستی رانده شده است آنها معتقدند که شیطان کسی بوده که به انسان گفته می تواند خدا را موجب معصیت اصلی انسان در درگاه خدا شده و در نتیجه از بهشت اخراج شده است .

شیطان در یهودیت، در لغت به معنای «دشمن» یا «تهمت زننده» است و همین طور نام فرشته ای است که مومنین را محک قرار میدهد شیطان در شریعت یهود به عنوان دشمن خدا شناخته نشده بلکه خادمی برای خدا است که وظیفه دارد ایمان بشریت را مورد آزمایش قرار دهد. در کتاب انجیل شیطان اسم دشمن یا مانع بشر است در قسمت دیگر از کتاب انجیل شیطان تمرد در برابر خدا تلاش می کرد اما در نافرمانی ناکام شد و خدا او را به جهنم تبعید نمود.

^۲ قریشی، علی اکبر. قاموس قرآن. دار الکتب اسلامیة. ج. ۴. ص. ۳۳.

^۳ همان. ج. ۱. ص. ۲۲۶.

شیطان در دین اسلام وسیله و عاملی برای آزمایش انسان است ابلیس یک جن است که نافرمانی از خدا کرده و به همین دلیل توسط خدا محکم شده است که به عنوان منبعی برای گمراهی جن و انس باشد؛

فلسفه ی وجود شیطان:

بر پایه آیات قرآن: «فرشتگان، امکان مخالفت با فرمان های الهی را ندارند^۴ ولی برای جن، مانند انسان، اختیار و امکان نافرمانی از دستورات الهی وجود دارد قرآن نیز آنها را به مومن، کافر، فاسق، و صالح تقسیم کرده^۵ و لایق پاداش و کیفر در آخرت میداند.^۶ جن مانند هر موجود دیگری لایق و شایسته آفرینش است .

اینکه جن شیطان یا انسان های کافر و گنهگار، با اختیار خود از مسیر اصلی و هدف نهایی آفرینش دور شده اند، باعث نمی شود که آفرینش آنان، لغو و مخالف حکمت باشد. خداوند متعال، آنها را آفرید تا با اختیار خویش، اطاعت کنند. لازمه اطاعت اختیاری این است که امکان مخالفت اختیاری نیز به آنها عطا شود؛ پس مخالفت و عصیان آنان ضرری به حکیمانیه بودن آفرینش آنها نمی زند. آنچه گفته شد فلسفه آفرینش شیطان، با توجه به خود او و عملکردش است و می تواند توجیه کننده آفرینش او باشد؛ اما اگر وجود شیطان را در رابطه با آفرینش آدمی بسنجیم، این پرسش مطرح می شود که آیا وجود شیطان برای آفرینش انسان لازم و ضروری است؟

ابلیس پس از نافرمانی و رانده شدن از درگاه الهی از خدای متعال مهلت خواست تا فرزندان آدم

را فریب دهد و از اینکه خدای متعال چنین فرصتی را به انسان داده در می یابیم که فریب انسان از سوی شیطان در نظام آفرینش، نه تنها با هدف آفرینش شیطان ناسازگار نیست بلکه در مسیر آن می باشد.

انسان برای رسیدن به کمال اختیاری (که هدف آفرینش اوست) باید از دو نوع گرایش تمایل خوب و بد بهره مند باشد. اگر فقط گرایش به خوبی در او موجود باشد مانند فرشتگان خواهد شد و چنانچه تنها گرایش مادی (بدی) داشته باشد مانند حیوانات مجالی برای صعود اختیاری، معنوی نخواهد داشت و اگر هر دو را داشته باشد، با

^۴ (ترجمیم/۶)

^۵ (جن/۱۴)

^۶ (انعام/۱۲۸)

انتخاب (خوبی ها) از فرشتگان، برتر و به کمال مطلوب خود می رسد و اگر بدی ها را بر انگیزد از حیوانات پست تر می شود.

انسان در درون خود دارای دو گرایش حق و باطل است، یعنی نفس الاماره او را به سوی بدی ها و (عقل و فطرت) او را به سوی خوبی ها می خواند.

انسان در انتخاب هر یک از این دو راه مختار و مستقل است اما این استقلال در انتخاب، با این که شیطان از بیرون وسوسه کننده و دعوت کننده او به بدیها و فرشتگان دعوت کننده او به خوبی ها باشند منافاتی ندارد.

انسان با اختیار خود، در ولایت شیطان یا فرشتگان داخل می شود. در همین موضوع، خدای متعال می فرماید: «ای فرزند آدم: مبادا شیطان شما را فریب دهد؛ چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد... ما شیطان را اولیاتی کسانی که به خدا ایمان ندارند، قرار دادیم»^۷

نفس الاماره، انسان را آماده پذیرش وسوسه ها و دعوت هخای شیطان می کند و شیطان، انسان را بیشتر گمراه می کند. پیروی از عقل و فطرت که نیز هدایت درونی است انسان را لایق رحمت های خاص الهی از سوی ملائک می کند. وجود شیطان برای دعوت به بدیها و تحریک نفس الاماره مکمل بیرونی گرایش انسان به بدیها است همان گونه که وجود فرشتگان و دعوت آنان به خوبی ها و تقویت عقل و فطرت، مکمل بیرونی گرایش انسان به خوبی هاست و از تامل این دو انسان کامل پرورش می یابد. برخی وجود شیطان را عاملی برای انگیزه ی بیشتر انسان در پناه بردن به خدا می دانند و این پناه جویی، او را در مسیر تکامل قرار می دهد.

تاکید ها قرآن در این رابطه فراوان است. در برخی آیات چنین آمده است: «ای رسول بگو خدایا؛ من از وسوسه و فریب کاری شیاطین به سوی تو پناه می آورم».^۸

چیستی فلسفه وجود شیطان، پرستشی بنیادین است که برای هر اندیشمند مسلمان، به گونه ای رخ می نماید و پاسخ به آن در کاویدن جنبه های مختلف نهان است.

در این پرستش سه طرف {خدا، انسان، شیطان} قرار دارد به طور مختصر به بررسی آنها می پردازیم:

^۷ (اعراف/۲۷)

^۸ (مومنون/۹۷)

۱ هدف خدا از خلقت انسان این است که او را به کمال برساند، یعنی هدف، مربوط به فعل خدا می شود و به فعل انسان ارتباط ندارد؛ زیرا خدا، خود کامل است و نمی داند هدف و غایت برای ذات او تصور کرد.

۲. تبلور کمال انسان، معرفت خداست، و معرفت در گروی عبادت اوست، زیرا با عبادت و معرفت خدا، کمال انسان تحقق می یابد.

۳. انسان عبادت گر را در صورتی می توان متحرک به سوی کمال به حساب آورد که آگاهانه و با اختیار، این مسیر را انتخاب کرده باشد؛ نه اینکه هم مانند فرشتگان، به صورت تکوینی، به عبادت پردازد و قدرت بر عصیان و نافرمانی خدا نداشته باشد، به همین جهت خدا انسان را موجودی با اختیار راه سعادت و شقاوت در اختیار خودش قرار داد؛ چنانکه می فرماید: «ما راه را به انسان نشان دادیم؛ حال یا سپاس گذار است یا ناسپاس»^۹

از همین جا مسئله ی امتحان به عنوان یکی از اهداف خلقت انسان مطرح می شود؛ زیرا امتحان، تبلور اختیار انسان است و جای تعجب ندارد که در آیات فراوانی از قرآن کریم، مطرح شده اند؛ این مسئله را به گونه های مختلف مشاهده می کنیم؛ چنان که در قرآن کریم آمده است:

«ما انسان را از نطفه ای آمیخته و آفریدیم؛ و او را می آزمایشیم»^{۱۰}

برقراری یک امتحان عادلانه، تنها در صورت وجود شرایط و امکانات برای گزینش هریک از دو مسیر «خیر و شر» توسط انسان است؛ اما خدا، از آن رو که انسان را گل سرسبد مخلوقات خود می داند و تنها برای آفریدن او به خود تبریک گفته است، در جهت انتخاب مسیر کمال و خیر، امکانات فراوانی را در اختیار او گذاشته است.

بنابراین گرایش در جانب خیر و وجود نیرویی در جانب شر، موجب می شود تا آزمایش الهی از حالت صوری و ظاهری درآید؛ یعنی وجود نیروهای وسوسه گر در مقابل الهامات خدایی، باعث می شود تا انسان در میان دوراهی ها قرار گیرد و با اراده و عزم خویش مسیر را انتخاب می کند.

شیطان پرستی یا شیطان گرایی

^۹ (انسان/۳)

^{۱۰} (انسان/۲)

در اینکه نام صحیح فرقه‌ی مورد بحث «شیطان پرستی یا شیطان‌گرایی» است. بین افرادی که در این زمینه فعالیت می‌کنند، اختلافاتی وجود دارد.

با بررسی کتاب‌ها و مقاله‌ها و نوشته‌های مرتبط با این موضوع که برخی در کتاب‌خانه‌ها و برخی در فضاهای اینترنتی موجود است، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که سه دسته با سه نظر مختلف در این باره مطرح است:

بعضی فقط آن را شیطان‌گرایی می‌دانند و شیطان پرستی را اشتباه می‌دانند دلیل این سه دسته این است که ترجمه‌ی لفظیه واژه‌ی (Satanism) شیطان‌گرایی است.

هم چنین (شیطان پرستی) شامل همه‌ی شاخه‌های آن نمی‌گردد؛ زیرا برخی از آن‌ها همانطور که در بخش‌های بعدی خواهد آمد نه تنها شیطان، بلکه هیچ موجودی را و حتی شیطان را نمی‌پرستند؛ فقط به عنوان یک منبع الهام برای آن‌ها مطرح است و حتی عده‌ای از آنان وجود شیطان را به عنوان یک موجود انکار می‌کنند.

بعضی دیگر هر دو واژه را صحیح دانسته و حتی در مقالات و نوشته‌های خود هر دو را یکسان به کار برده و فرقی بین آن‌ها قائل نمی‌شوند، معترض این بحث هم نمی‌شوند. البته شمار این عده بسیار اندک است.

این عده که غالب افراد و کتاب‌هایی در این زمینه است را شامل می‌شوند، نام این فرقه را (شیطان پرستی) می‌دانند، و تنها همین لفظ را استعمال می‌کنند. البته دلیل خاصی برای این قول که بر همین مبنی چاپ شده، این امر را مفروض گرفته و مطرح نمی‌کنند.

در این نوشتار با آن که دلیل‌هایی که گروه نخست آورده اند صحیح تر به نظر می‌رسد، شیطان پرستی به دلیل مناسبت بیشتر به عنوان نام این گروه انتخاب شده است. زیرا در برگرداندن اصطلاحات و اسامی مکتب‌های فکری، هنری، یا سیاسی صرفاً به معنای لفظی توجه نمی‌شود، چرا که ترجمه‌ی لفظی بسیاری از این اصطلاحات و مکتب‌ها ارائه دهنده معنای کامل آن نمی‌باشند.

و لذا در برگرداندن آن‌ها چند روش متفاوت اتخاذ شده است.

«ایسم» «TSM» به عنوان پسوند مکتب‌ها یا نگرش‌های فکری، اعتقادی، هنری و سیاسی در لغت به معنای اصالت، اصول رویه، ۱۱ و همچنین مکتب آمده است. در

۱۱ حییم. «سلیمان؛ فرهنگ معاصر انگلیسی-فارسی. تهران. ۱۳۸۲. ص ۳۴۰.

برخی برگردان‌ها از معانی لغوی استفاده شده؛ به عنوان مثال برخی ماتریالیسم به «اصالت ماده» تعبیر کرده اند و برخی دیگر به جای آن «گرایی» گذاشته اند. هم مانند برگردان دسته نخست که «شیطان گرایی» بود، یا برخی مکاتب مثل ایده‌ی «آلیسم»^{۱۲} که (پندار گرایی یا آرمان گرایی) نیز تعبیر شده است اما در این میان این اصطلاحات و مکاتب، برخی را نمی‌توان با پسوند(گرایی) یا با اضافه کردن معنای لغوی «ایسم» به فارسی برگردان نمود، زیرا یا معنای صحیح پیدا نمی‌کند و یا اگر دارای معنا است از معانی اصلی خود دور می‌شود و باعث غلط و اشتباه می‌شود.

در برگرداندن این الفاظ دو نوع برخورد انجام گرفته است از این مکاتب، به صورت همان تلفظ لاتین در فارسی رواج پیدا کرده است. مثل «یلومینیسیم»^{۱۳} که ساخته شده است از کلمه‌ی «یلومین» به معنای روشنگری^{۱۴} می‌باشد. حال اگر بنا بر دسته‌ی نخست با پسوند گرایی برگردان شود حاصل آن «روشنگری گرایی» می‌شود که اصلاً با معنای این مکتب «همانطور که در پی نوشته آمده» همخوانی نداشته و اشتباه است؛ پس همان تلفظ در فارسی استفاده می‌شود.

اما برخورد دوم با این گونه الفاظ بدین صورت است که یک معادل مناسب برای آن انتخاب می‌شود که ارتباط معنایی کاملی با آن داشته باشد.

به عنوان نمونه، مکتب «کمونیسم»^{۱۵} به «مرام اشتراکی یا نظام اشتراکی» برگردان شده است.

درباره مورد بحث، عنوان «شیطان گرایی» برگردان لفظی آن بر اساس اضافه کردن پسوند «گرایی» است و معنا هم می‌دهد ولی اشکال در آن این است که «شیطان گرایی» واژه‌ی عام است و در فارسی بر گروهی که به نوعی عمل شیطانی انجام می‌دهند، اطلاق می‌شود، لذا با توجه به این که نوعی بدوی و ابتدای این گروه و برخی فرقه‌های امروزی آن، شیطان را به عنوان یک موجود خارجی قبول داشتند و می‌پرستیدند، می‌توان با کمی تسامح «شیطان پرستی» را بر این گروه اطلاق کرد.

تا مساله‌ی خط تعاریف فرق پیش نیاید و همان طور که ملاحظه شد، اطلاق این گونه برگردان‌ها نه تنها اشکال ندارد، بلکه معمول هم می‌باشد.

^{۱۲} این مکتب برین باور است که تنها روح وجود دارد جسم و شکل تظاهری است.

^{۱۳} جریان فکری و مذهبی است که شناخت خدا را از طریق الهام بر دل امکانپذیر می‌دانند.

^{۱۴} باطنی، محمد رضا. فرهنگ معاصر انگلیسی-فارسی، ص. ۴۲۷

^{۱۵} به معنای آزاده خواهی انسان بر اساس نظام اشتراکی است.

لذا با توجه به مطالب یاد شده در این نوشتار عنوان شیطان پرستی به کار گرفته شده است.

تاریخچه ی شیطان پرستی

در این تاریخچه، حرکت تکاملی شیطان پرستی تا اواسط قرون وسطا و سپس تحریک انشکافی آن از نیمه دوم قرون وسطا تا شیطان پرستی مدرن نشان داده شود. در این روند قوم بنی اسرائیل میراث داره شیطان پرستی است.

از دوره های بدوی و باستان که در مصر بابل ۱۶ و مناطق شمال آفریقا جنوبی غرب آسیا و جنوب شرق اروپا آواره بودن از تمدن های مختلف، توجه تجلیل از نیروهای شر، ستایش الاهی باوری را آموختن و فنون سحر، علوم جادویی و سایر علوم و فلسفه ها را به تدریج فرا گرفتند و در حدود قرون یازدهم تا سیزدهم نظریه ی تجلی و سایر نگرش های عرفانی از جهان اسلام توسط اعراب یهودی به گنجینه ی حکمت پنهان یهود منتقل شد.

در این دوره، یعنی مجموعه ی هزاره های باستان تا حدود هزاره اول مسیحیت که اواسط قرون وسطی می رسد، حرکت تکاملی سنت شیطانی با محوریت خانواده های بزرگ و پرنفوذ یهودی سپری شد.

از حدود قرون دوازده و سیزده میلادی به تدریج تحرک انشکافی شیطان پرستی آغاز می شود که تا آغاز قرون بیست و یکم ادامه میابد. در این دوره که شامل صدهای پایانی قرون وسطی عصر روشنگری و دوره ی مدرن می شود، شاهد پرده برداری و انشکافات نگرش ها آئین های شیطانی هستیم. (نخستین پرده) برداری ترویج شیوع سحر و جادو در قرون یازده به بعد است که تا به امروز به اوج خود رسیده است. (پرده دوم) از قرن سیزده هم به بعد با علنی کردن «عرفان یهود یا کابالا» آغاز می شود و امروز به اوج جلوه گری خود رسیده است.

(پرده ی سوم) علم گرایی و روی اوری به دانش در عصر رنسانس^{۱۷} است، که با تکه بر علوم سر و مبانی کابالودر چهار چوب سنت یهودی، مسیحی روی کرد و دانش رقم می خورد؛ (پرده ی چهارم) موسیقی شیطانی می کند.

^{۱۶} یکی از تمدن های باستانی است که به معنای دروازه خدا است که در حوزه ی رود فرات است.
^{۱۷} یا نوزایی، جنبش فرهنگی مهمی که آغاز گردورانی از انقلاب های علمی و تغییرات هنری در اروپاست

(پرده پنجم)، سینمای شیطانی است که ایدئولوژی شیطان پرستی را در سراسر جهان تبلیغ میکند. و سینمای شیطانی همانند ساحران فرعونشیطان را مدبری قدرتمند می نمایند.

بستر شیطان پرستی در غرب

۱. فلسفه ی یونانی:

. یکی از مسائلی که کارشناسان فرق و مذاهب غالباً در خصوص تحلیل شیطان پرستی از آن بهره برداری میکنند، دیدگاه ادیان نسبت به مساه ی شیطان و معرفت خاص دینی نسبت به این شر مطلق است. در همین رابطه نیز ادعای لاوی در استناد به ذهنیات موهن^{۱۸} در مورد مقوله ی شیطان قابل توجه است. در واقع نظریه پردازان این طریقت گمراه دست به مغالطه می زنند و سپس در بستر آن به تبیین نظریاتشان می پردازند.

بخش دوم ارتباط با فلسفه ی یونانی در نگاه به اسطوره ها، افسانه ها و الاهه های یونان باستان است. از یک سو میل به پرستش که امری فطری و طبیعی است، و از سوی دیگر بنای فکری گروه قابل توجهی از شیطان منجر به آنها می شود تا از «درد بی خدایی» به «الاهه های دورغین» پناه ببرند.

۲. پروتستانیزم

کلیسای کاتولیک و نهاد مستهلک آن طی ده قرن فاجعه های چون: اخلاقی، عقیدتی، سیاسی اجتماعی، و اقتصادی علیه غرب راه انداخت. پس از اقدام (مارتین لوتر)^{۱۹} و (کالوین)^{۲۰} در اعلام «خریداری شدن در جهنم» جامعه ی مسیحیان به صورت افسار گسیخته و با جهتی کاملاً غیر دینی رویکرد های را نسبت به مولفه های فوق اتخاذ کردند.

ارتجاع کاتولیک، فشار بیش از اندازه، وجود دستورات بسیار سخت گیرانه ای از سوی کشیشیان کاتولیک و گرفتن باج های کلان از عوام بیچاره ی مسیحی، باعث گردید گروهی از روشن فکران از کلیسای روم فاصله بگیرند در راهی جدا از مذاهب کاتولیک و (آرتودوکس) بچوبند^{۲۱} باید توجه داشت که عده ای از شیطان پرستان نیز قصد دارند که با ارجاع مستقیم تاریخ تشکیلشان به سال «۱۵۶۵م»، در حقیقت دست به نوعی

^{۱۸} واژه ی یونانی (devi) به معنای شیطان است ولی لاوی آن را منتسب به زبان سانسکریت میداند.

^{۱۹} کشیش و مترجم انجیل به زبان آلمانی است. و او شخصیتی بزرگ در تاریخ مسیحیت است.

^{۲۰} آنتولوژیست و رفرمر پروتستان در قرن ۱۶ است.

^{۲۱} مبلغی آ بادانی؛ عبد الله. تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ج ۲، ص ۷۹۱

تاریخ سازی بزنند که فاقد عنصر استناد است. البته ضروری است که ریشه‌ی اولیه این حرکت انحرافی، به دوران رنسانس یا دوران تاریخ ادعایی می‌رسد. در آن دوره گزارش تاریخ مستندی از شیطان پرستی به شکل امروزی وجود ندارد بلکه برخی افراد با راه اندازی یک حرکت انتقادی علیه کلیسا را داشتند.

۳. معرفت شناسی یهود از شیطان

حرکت اعتراضی رنسانس و جنبش‌ها و گرایش‌های بعدی آن عمیقاً تحت تاثیر آموزه‌های یهودیان بوده است. همچنین نفوذ آثار یهودیان بر روی برخی از رهبران رنسانس^{۲۲} در گذشته و نظریه پردازان فعلی قابل ملاحظه است.

۴. افول معنویت

آن گاه چراغ عالم افروز معنویت روبه افول نماید، انواع و اقسام منحرف ترین سراب‌ها رخ نموده و انسان معاصر را به دام بلا میکشاند. در این مهو، باید تأکید شود که تعویض جای معنویت و نقش خدا با آموزه‌های مستعمل و فرسوده‌ی امروزی، و یکی از علل اصلی شکل‌گیری این گروه‌ها بوده است. باید اشاره کرد که مؤسسان شیطان پرستی و خصوصاً لایو به صورت جدی تحت تأثیر فلاسفه پوچ‌گرا و بدون معنویت همچون نیچه^{۲۳} بوده‌اند. وی در کتاب فراسوی نیک بد چنین می‌نویسد: «شیطان بیشترین بینش را راجع به خدا دارد زیرا او از خدا دور می‌گردد. در حقیقت شیطان قدیمی ترین دوستدار دانش است» با بررسی این جمله‌های مشابه، می‌توان نقاط مشترکی بین او و عقاید لایو پیدا کرد.

۵. رمانسگرایی

رمانس گرایی در جهان غرب عمدتاً با اسطوره گرایی در جهان اسلام آیین شرق ارتباط کپی گرایانه دارند؛ این معنا که غربی‌ها به دلیل نیاز به وجود قهرمان، شخصیت‌های تخیلی و دروغین با قدرت‌های نیک و بد آفریدند تا خلأ ناشی از عدم حضور اسطوره‌ها در فرهنگ خود را، جبران نمایند.^{۲۴} از این منظر، میل به قهرمان یک رمانس شدن همیشه در روح و روان و اندیشه‌های انسان غربی وجود دارد، آن قدر که حاضر است برای آن حتی به شیطان هم تبدیل شود.

ایئولوژی شیطان پرستی :

^{۲۲} به طور مثال مارتین لوتر یهودیان را فرزندان خدا و سایرین را مهمان و بیگانه می‌دانست.

^{۲۳} فیلسوف بزرگ و مشهور آلمانی که از مشهورترین عقاید وی دین و فلسفه‌ی امروزی بوده است.

^{۲۴} ر. ک. ذاکری. احمد حیدری. فاطمه. کتاب زبان و ادبیات فارسی. سرفراز. کرج. ۱۳۸۴. ص ۲۸۴-۲۸۶

مهم ترین اصول شیطان پرستی :

با اینکه بین مکتب ها جریانات مختلف «شیطان پرستی» اختلاف عقاید و تئوری وجود دارد، ولی با این همه می توان اصول اساسی را به عنوان اصول مشترک آنها نام برد:

-آته ایسم: یعنی خدایی وجود ندارد. نفی خدا و موجودات ماورایی جهامادی ، از مهمترین اهداف شوم این نهله ی فاسد است. با آنکه مسأله ی اثبات وجود خدا امری قطعی است و به ندرت از این نظریه دفاع می شود، اما به دلیل اینکه در این گونه ها گروهها نیاز به آزادی بی بندباری است ، چنین مسائل باطنی از سوی آنان مطرح می گردد .

اصولا بندگی و اعتقاد به خدای یگانه بی همتا ، مانع از انجام اعمال شنیع ، ضد مذهب ضد انسانی می شود و تنها راه ایجاد فضا برای انجام هرگونه اعمال حیوانی ، فضایی است بدون خدا که اصلی ترین هدف این گروه است به شمار می رود این نظریه ی باطل ، در پایگاه های مختلف اینترنتی مطرح و تبلیغ می گردد.

-دو گانه نگری منفی :شیطان پرستان بر این باورند که روح و جسم غیرقابل دیدن هستند هیچ جنگی بین عالم خیر و شر وجود ندارد.

این اصل و قاعده همچون بسیاری از قواعد چنین گروه های، غیر قابل اثبات و خلاف عقل سالم ؛ چرا که در تمام دنیا نمونه ای مبانی بر دیدن روح به اثبات نرسیده و نخواهد رسید و این که خیر و شر با هم بتوانند در فضای مشترک باشند ، بدون تعرض به یک دیگر که به این وسیله خیر و شر مساوی پنداشته می شود. امر باطل است که خلاف آن در تمام قوانین طبیعی و عقلی موجود است هم چنین این نظریه خلاف عقاید تمامی ادیان الاهی است.

-اتودیسیم: خود پرستی خدایی جز خود انسان وجود ندارد و هر انسانی خود یک خدا است. همچنان که از دیگر عقاید آن ها بر می آید و به طور خلاصه اشاره گردید ، هر گروهی که بخواهد اعمالی ورائی اخلاق یا قوائد عقلی و نقلی انجام دهد، ناگزیر باید به چنین قوانینی رو آورد .

همچنین باید در اینجا گفت که این قاعده به صورت های مختلف از طرف آن تبلیغ و ترویج می گردد با دیگر آموزه ها به ظاهر اخلاقی آنها تضاد و تناقض دارد که در بخش های بعدی این امر روشن می گردد .

-ماتریالیسم^{۲۵}: اعتقاد به اصالت ماده که اینکه تنها شیع موجود، ماده است و هیچ امر ماورائی وجود شاخه های مختلف را دارد که در هر کدام، پیدایش جهان و پدیده های آن به شکل خاصی بیان می شود. اندیشمندان در محل خود، اشکالات و رد این نظریه را بیان نموده اند. آنچه در این بحث باید گفته شود، بازگشت این اصل به دیگر قوائد مادی عاری از خدا که قبلاً هم به آن ها اشاره گردید.

-آنتی رلیژن: ضد مذهب: خصومت با مذهب، خصوصاً در مذهبی که اعتقاد به معاد و زندگی پساز مرگ دارند. مبارزه با مذهب و ادیان الهی، زمینه ای مناسب برای پیدایش این فرقه ی فاسد است، زیرا جایی که ادیان و مذاهب تمام می شوند، چنین فرقه های تشکیل و پرورش می یابند. در بخش های بعدی اشاره هایی درباره ی توحید به ادیان و مقدسات آنها خواهد شد.

-هدونیسیم: لذت گرایی: اعتقاد به استفاده از لذت در حد بالای آن، زیرا تمام لذات در خوشی دنیایی است. و این خوشی ها خصوصاً لذات جنسی، انگیزه ی لازم را برای کار های روزانه فراهم میکند و به هر شکلی انجام آنها لازم و ضروری است. این اعتقاد باطل، سعی در نزدیک کردن انسانها به خوی حیوانی دارد و این دنیا را محلی برای لذت و شهوت رانی می داند و می توان گفت این اصل نتیجه اصول قبلی است و باز گشت همه ی آنها به، بی هدفی، بی هویتی و مادی گری است.

-سیاه نمایی:

شیطان پرستی دنیایی را ترسیم می کند که هیچ روزنه ی امیدی برای آن متصور نیست. در چنین دنیایی، افراد هیچ امیدی به سعادت ندارند و هیچ هدفی برای خود تصور نمی کنند؛ در نتیجه افراد تمایل به خودکشی، استفاده از مواد مخدر و کشنده و خود زنی..... اعمال شنیع دیگر پیدا می کنند. این مطلب و نتایج آن به وضوح در پایگاه های اینترنتی طرفداران و شعرهای شیطانی دیده می شود.

یک شیطان پرست می آموزد دنیا میان لجن است و هیچ وقت نمی توان در لجن زندگی کرد، به لجن آلوده نشود پس هیچ چاره ای جز مردن و رهایی از این دنیا نیست. و راحت ترین آن خودکشی است. به وی می آموزد زندگی در دنیا براساس دروغ بنا شده، باور های مردم نیز پایه ای جز دروغ ندارد لذا همه ی عادت کردند دروغ بگویند و حرف راست حتی اگر راست باشد هیچ معنا و مفهومی ندارد. همه چیز در شیطان پرستی، منفی جلوه داده می شود. هیچ امر مثبتی وجود ندارد و همه چیز

^{۲۵} به معنای مادیگری فلسفی است.

منفی است. جریان شیطان پرستی را می توان از لحاظ رویکرد ها ایدئولوژی به چهار دسته تقسیم کرد:^{۲۶}

۱. شیطان پرستی فلسفی (یا لای)ی
۲. شیطان پرستی دینی
۳. شیطان پرستی گوتیک (شرپرستی)
۴. شیطان پرستی آتیه ایسیک

۹ اصل عقیدتی کلیسای شیطان:

۱. شیطان سمبل لذت جویی و آزادی و افراط است نه ریاضت کشی
۲. شیطان نماد وجود وزندگی است و زندگی شاداب و مادی است نه خواب ناچیز و معنوی (امور معنوی و غیر مادی، توهم و تظاهر است)
۳. شیطان می گوید مهربانی با کسانی که شایسته آن هستند بهتر است از عشق ورزیدن از روی ظاهر و جلب توجه.
۴. شیطان می گوید کم عقلی و بی عفتی بهتر از ریا کاری و خود فریبی است.
۵. شیطان سمبل انتقام جویی است نه گرداندن آن طرف صورت
۶. شیطان سمبل مسؤلیت پذیری برای مسؤل به جای دل مشغول برای خون آشامان خالی (اشاره به ترس مؤمنان از معاد و جهنم و انجام اعمال خوب)
۷. شیطان انسان را دیگر با حیوانات کاملاً هم مانند می داند، و گاه بهتر و اغلب بدتر از آن حیواناتی که بر چهار دست و پا راه می روند. بارها و بارها شدید از آنها که در این راه به طور اجباری آلوده شده اند، به خاطر خدای معنوی اش و ظهیر عقلانی، به صورت حیوانی شرور تبدیل کرده است.
۸. شیطان تمام آنچه را گناه نامیده شده مایه خرسندی و مسرت روانی، فکری و عاطفی می داند.
۹. شیطان بهترین دوستی است که کلیسا تاکنون داشته چرا که در تمام این سال ها کلیسا را مشغول داشته است.

ملاحظات درباه ی ۹ اصل و بیانیه شیطان نکات چند به ذهن می رسد که به برخی از آنها اشاره می شود:

الف: آزادی ولذت بردن دوگونه است: آزادی مثبت و آزادی منفی

^{۲۶} البته طبق نظر بیشتر محققان سه دسته ی اولی اصلی هستند و دیگر دسته ها به این سه دسته بر می گردند.

آزادی از بند نفس و خواهش های غیر از مشروع و معقول آن مثبت و مطلوب است. لذت حاصل از آن هم واقعی و پایدار است. اما آزادی از همه ی قیود و شکستن حدود اخلاقی و الهی منفی است پیروز از امیال شیطان از گذشته سنبل عصیان و غرور، مستکبر و کافر در بارگاه الهی است.

ب: کار بد وزشت، زشت است و باید ترک شود خواه کوچک باشد یا بزرگ و یا بزرگ تر. بی عفتی، ریاکاری، و خودفریبی همهگی زشت و مردود هستند.

ج: مهربانی کردن بادیگران کار بسیار پسندیده ای است، زیباتر آن است به دشمنان خویش محبت کند و خاطیان و ظالمان را هم ببخشد. اگر کسی با مهربانی با ما رفتار کرد مهربانی کردن ما با او چندان کار بزرگ و دشواری نیست، اما ارزشمندی این رفتار ظاهری، بستگی به نیت آن ها دارد.

د: آنچه در مورد فرهنگ مسیحیت معروف است که اگر کسی به صورت تو سیلی زد طرف دیگر صورت را بیاورد در واقع در مورد عفو برخورد با دوستان است نه کسی که قصد دشمنی و ظلم دارد. نه انتقام جویی خوب است و نه ظلم پذیری، گذشت در حال قدرت خوب است و مبارزه در برابر ظلم در همه حال.

قرآن می فرماید^{۲۷}: «محمد فرستاده خدا است؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سخت و شدید و در میان خود مهربانند».

و نیز می فرماید^{۲۸}: «اگر عفو کنید و چشم بپوشید و ببخشید خدا شما را می بخشد چرا که خداوند بخشنده و مهربان است»

ه: در فرهنگ مادی و الحادی، انسان موجودی مادی و یکی از حیوانات است باقابلیت هایی بیشتر و یک موجود دارای روح مجرد و الهی ای که خلیفه خداوند در زمین و دارای زندگی دنیوی و اخروی است. انسان با تعریف مادی البته هدفی غیر از لذت جویی و ارضای امیال مختلف جسمی و جنسی ندارد. اما کسی که با لذت های عقلی و عنوی آشنا باشد، به ابعاد مالی اکتفاء نمی کند.

و: در فرهنگ دینی، واجبات و حرمت مبتنی بر مصالح و مفاسد واقعی دانسته شده است، معنی این اصل این است که تمام دستور های دینی دقیقا با فواید و ضررهای جسمی روحی پیوند خورده است. هیچ امری عصیان گناه شمرده نمی شود مگر اینکه

^{۲۷} فتح / ۲۹^{۲۸} تغابن / ۱۴

دارای یک یا چند ضرر جدی و اساسی بر جسم یا روح بشر باشد. از نظر عقلی و تجربی نیز شواهد فراوانی بر پیامدهای سوء و غیر قابل جبران این گناهان وجود دارد، ضررهای زنا، لواط، شراب خواری، تجاوز، دروغ، تهمت، غیبت، رشوه و.....مانند این ها از نظر فرد واجتماع برهرکس آشکار است.

ز: شیطان برخلاف نظر پیروان کلیسای شیطان، نماد عصیان، غرور و تکبر است، هم چنین دعوت کننده به سوی همه ی پلیدی ها و زشتی هاست، و تا انسان جاهل را از درگاه الهی دور نکند و به گناه و کفر وادار نکند، دست از وسوسه ها و فریب های خود بر نخواهد داشت.

درباره ی آنتون زندرلاوی:

بدون سخن گفتن در مورد لاوی، این نوشتار ناتمام خواهد بود.

آنتون زندر لاوی در یازدهم آوریل ۱۹۳۰م متولد شد. نام اصلی او هوارد استانتون لاوی بود. وی در سن هفده سالگی برای همراهی با سیرک، خانه را ترک کرد. لاوی در آن سیرک با شیرها سر و کار پیدا میکند. روحیه ی خاص او با حیوانات، کمک او میکند تا از تربیت کنندگان شیرها باشد.

دو سال بعد در یک کارناوال در نقش نمایش دهنده ی زیبایی اندام ظاهر میشود و همچنین به هپنوتیزم^{۲۹} افراد می پردازد. وقتی در سال ۱۹۴۸م دوره ی تعطیلی زمستانی کارناوال شروع می شد. برای نمایش زیبایی اندام در کالفرنیا ی جنوبی میرود و در همین باشگاه با مرلین مونرو^{۳۰} آشنا می شود و با او رابطه پیدا میکند.

وی در سال ۱۹۵۲م با دختری چهارده ساله به نام کارول لنسینگ ازدواج می کند. پس از آن به مطالعه ی جرم شناسی در کالج شهر سان فرانسیسکو مشغول می شود تا از خدمت سربازی فرار کند. در همان سال از این زوج دختری به نام کارلا متولد می شود. لاوی در همین سال به عنوان عکاس پلیس سان فرانسیسکو مشغول به کار می شود؛ که همین امر سبب میشود که او با قتل بزه کاری، تجاوز به عنف بر خورد داشته باشد. او ضمن عکاسی از صحنه های تکان دهنده، تصادف های خونین، با این بخش از حوادث زندگی بشر روبه رو میگردد. لاوی میگوید تجربیات همین دوره باعث شد که منکر خدا شود. او در سال ۱۹۶۰م به خاطر آشنایی و شیفتگی به دیانا هاگرتی زن خود را طلاق داد و با او رابطه برقرار میکرد.

^{۲۹} شاخه ای از علم روان شناسی است که انسان را از حالت هوش یاری خارج می کند.
^{۳۰} معروف به مرلین مونرو یکی از فاسد ترین بازیگران و خواننده ها و مدل های آمریکایی بود

نتیجه‌ی این رابطه (بدون اینکه ازدواج کنند) دختری به نام زینا است. و در سال ۱۹۶۴م رابطه‌ی با دیانا را قطع کرد؛ و با زنی با نام بلانچ بارتون آشنا میشود و تا آخر عمر با او رابطه داشته است. که نتیجه‌ی آن رابطه به دنیا آمدن پسری به نام (سیتن زرکس کرنکی لاوی) است.

او در خانه بزرگی که به خانه‌ی سیاه معروف شد، زندگی میکرد رفتار نا متعارف و عجیب لاوی در این مکان بدنام خود به دستاویزی نمایشی تبدیل شده بود، زندگی در خانه‌ی سیاه بد نام با حیواناتی مانند: رتیل، مار بوا، پلنگ و شیری به نام تولگار، توجه بسیاری را به خود جلب کرده بود. لاوی در خانه‌ی سیاه جلسات هفتگی خود را برگزار میکرد و به امور و رازهای سیاه آلوده مانند: خون آشام‌ها، گرگینه‌ها (انسان‌های گرگ نما) شکنجه‌گری، شهوت پرستی و جنون می پرداختند.

این نشست‌ها با استقبال زیادی روبه رومی شد، و لاوی از این راه برای آنچه که «حلقه‌های جادویی» می نامید، ۲/۵ دلار دریافت می کرد.

و بعد از آن در سال ۱۹۷۰م محبوبیتش را را به تدریج از دست میدهد و در سال ۱۹۷۵م به دنبال نزاع با معبد است^{۳۱} از فضای عمومی کناره می‌گیرد. لاوی در سال ۱۹۹۰م با آلبومی از موسیقی‌ها و عکس‌های خود، زیبایی اندام به عرصه اجتماع باز می گردد.

یکی از آلبوم‌های موسیقی او که در همین دوره تهیه شد، به نام «شیطان به تعطیلات می‌رود ۱۹۹۵» است.

لاوی تازمان مرگ روی کتاب‌های خود با عنوان شیطان سخن می‌گوید کاری میکند. و باعث می شود یکی کتاب‌های او در سال ۱۹۹۸م با مقدمه‌ی از مرلین منسون^{۳۲} به چاپ رسید. و کتاب‌های همچون: «کتاب مقدس شیطانی ۱۹۶۹م»، «ساحره‌ی شیطان پرستی ۱۹۷۱م»، «آئین پرستش شیطانی ۱۹۷۲م»، «ودفتر یاد داشت شیطان ۱۹۹۲م» را به چاپ رسانید.

او همچنین هنر پیشه‌ی و مشاور بسیاری از فیلم‌های سینمای هالیوود بود وی در فیلم‌های چون: «بچه‌ی رزماری ۱۹۶۶م» «نیایش برادر اهریمنی من ۱۹۶۹م» «نیایش شیطان ۱۹۷۰م» «بازار شیطان ۱۹۷۵م» «اتومبیل ۱۹۷۷م» «دکتر در

^{۳۱} یکی از مخوف‌ترین، و مشهورترین و مخفی‌ترین سازمان‌هایی شیطان پرستی است.

^{۳۲} وی یکی از افراد موثر در ترویج شیطان پرستی نوین است، که در حال حاضر به عنوان خواننده‌ی مثال شهرت دارد.

کولاً ۱۹۸۱م» «سوپراستار چارلز منسون ۱۹۸۹م» «گفتگوی شیطان ۱۹۹۵م» نقاش را بر عهده داشته است.

اواخر عمر لاوی با درگیری‌ها و مشکلات بسیاری همراه می‌شود. در سال ۱۹۹۰م، دختر کوچک او زینا، در دید عموم از پدرش تبری می‌جوید و او را به راهبه کلیسای یعنی رقیب معبد است. مبدل می‌شود. زینا پدرش را دروغگو و غیر قابل اعتماد دانسته و حوادث زندگی او را سرتاسر دروغ می‌خواند. در سال ۱۹۹۱م لورنس رایتدر نشریه ی رولینگ استون^{۳۳} مقاله ای می‌نویسد که زندگی لاوی را با چالش بیشتری مواجه می‌کند.

در همین سال بعد از محکوم شدن در دعوایی میان او و دیانا هاگرتی، مجبور می‌شود خانه ی سیاه را بفروشد و بعد از آن طی نوشته ی جان ریموند، تمامی اعمال و مناسک شیطان پرستی را به مسخره می‌گیرد و مینویسد که دو آنتون لاوی وجود داشت: «یکی سیاسی و پایه گذار کلیسای شیطان بود و دیگری کسی که چیزهای آفرید تا خلوتش را پر کند و آنچه در خلوت خود، جعل کرده به مطبوعات دهد تا او را معرفی کند.»

در ادامه باید گفت چنین شخصیتی یا این خصوصیات که اصلاً با رهبری متفکر همخوانی ندارد، اندیشه یا مکتبی نمیتواند داشته باشد. مگر مخلوتی از قانون‌هایی که از نظر عقل و دین باطل و مردود است. فردی که از نوجوانی از کانون خانواده محروم است، و خانواده ای از حیوانات مختلف دارد و شهوت و بی بندوباری که اصل اساسی زندگی او را تشکیل می‌دهد، چطور میتواند گروهی را رهبری کند؟!

رهبر یک گروه یا مکتب باید دارای خصوصیات مثبت و اخلاقی باشد تا حد اقل بتواند خودش را در میان اندیشه‌ها حرف مستقلاً بر پایه ی و عقاید حق داشته باشد. فردی که به طور دائم در حال تغییر و تحول است و از سیرک تا باشگاه زیبای اندام و موسیقی، جادوگری، عکاسی را با هم تجربه کرده قطعاً دارای شخصیتی ثابت نیست تا بتواند در مجموعی ای تأثیری بگذارد؛ و همین امور است که این فرد حتی از اتباط با خانواده و دخترش عاجز است، و اولین مخالفین او خوانواده اش هستند. و فقط او را به عنوان استوره ای بر میل به اهداف پلید خود میبیند.

نمودهای شیطان پرستی

آداب و رسوم شیطان پرستی^{۳۴} «کسب قدرت تاریک برای شیطان پرستی و به دست آوردن نیروهای نهفته در تاریکی کسب قدرتی است درونی و بی پایان. انرژی عظیمی که این مکان را به شما میدهد روح خود را ارتقاء بخشیده و کمبود هایش را با قدرتش جایگزین کنید. نکته مهمی در بر گذاری این مراسم این است که

^{۳۳} مجله ی آمریکایی که به موسیقی «لیبرالیزم» و موضوعات عام پسند می‌پردازد.

^{۳۴} ر.ک. ایگاه اینترنتی موعود

هرگز نباید به نتیجه بدگمان باشید. خالصانه به نیروی روح خود و روح تاریکی ایمان داشته باشید. آنچه باقی می ماند، آرامش دوری از افکار بیهوده است که باید در خود ایجاد کنید.^{۳۵}

شیطان پرستی، در قرون اولیه آدمی در چندین زمان: اولین زمان کسوف و خسوف بود، بر این تصور که شیطان و الهه ی تاریکی از انسانها عصبانی هستند و منتظر هدیه ی خود هستند و اگر برای آنها قربانی انجام نمی گرفت، الهه ی تاریکی تمام انسانها را قتل عام می کردند.

لذا برای آرامش شیطان، قربانی کردن انسان انجام می گرفت. این مراسم به خصوص در آمریکایی جنوبی، فراوان دیده شده است؛ به گونه ای که از اکتشافات به دست آمده، که وجود این قربانی کردن را تصدیق میکند و نشان می دهد که این قربانی کردنها اتاق های مخصوص که باشیوه ی خاصی بنا شده، تزئینات خاص، داشته است. البته قربانی کردن انسانها در زمان های دیگری انجام می شد. امروزه قربانی کردن انسانها در یک شب مخصوص و کاملاً تاریک انجام می گیرد.

این اعمال، مصداق بارزی است از وحشیگری و حیوان صفتی این گروه از نظر هیچ دین آئین انسانی جایز و صحیح نمی باشد.

مراسم و اعمال شیطان پرستی

اعمال و مراسم مختلفی به عنوان شیطان پرستی انجام می گیرد که این جا به ذکر نمونه های مهم ترین آن می پردازیم:

مناسک جنسی: مهمترین اعمالی که برای اجرای آن مداومت جدی دارد، اعمال جنسی است و بعد از انجام آن برای پیشبرد اهداف حاضرین، از شیطان کمک می خواهند. مسائل جنسی آنها همراه با خشونت، از شاخص های مهم این گروه است و نشان از مشکلات فراوان روحی و روانی این افراد دارد؛ افرادی که به علت ترد شدن از جامعه یا آزار دیدن در دوران کودکی، نوجوانی و حتی جوانی، نوعی بیماری روانی پیاده کرده و با این اعمال سعی در جبران آنها دارند. ایدز از بیماری های شایعی است که همواره میان چنین افرادی شیوع دارد و عمده ترین نشانه های شیطان پرستی را می توان در تجاوز وقتل، به ویژه تجاوز به کودکان و نوجوانان همراه با قتل آنان را به دنبال دارد.

^{۳۵} بخشی از آموزه های شیطان پرستی نوین

مدتی قبل روز نامه های آمریکایی از دستگیری عده ای شیطان پرست خبر دادند که نوجوانان و حتی کودکان را مورد تجاوز وحشیانه قرار داده و با ساطور تکه تکه کرده بودند.

مراسم عضویت یک عضو جدید:

این مراسم مجموعه ای است از کارهای مختلف که توسط کشیش کلیسا شیطان پرستان و یا همسر وی انجام می شود. این عمل در جادوگری نیز وجود دارد. در این مراسم، پنج بوسه ی مقدسه وجود دارد، که بر بدن شخص عضو شونده زده که باعث خیر و برکت او، تقدیس او در بین شیطان پرستان، تشکر از وی به منظور عضو شدن و در نهایت قبولی فرد، خواهد شد.

مراسم نماز یا نماز جماعت سیاه:

این مراسم یکی از مهمترین مراسمات شیطان پرستی است که در کلیسا های شیطانی انجام می شود و دقیقاً همانند مراسم عشای ربانی مسیحیت می باشد با این تفاوت که کارها همه بر عکس انجام می شود. کشتن کودکان و ریختن خون معصومان جزو آدابی است در آواخر قرن وسطا همراه نماز جماعت سیاه می شود.

این مراسم از پلیدترین مراسمات آنان می باشد، از جمله نمادهای شیطان پرستان اینها اند: ستاره ی پنج پر وارانه، جمجمه، شراب، خون، شمع، پاچه های سیاه و آتش دان و... میباشد. گه آن ها را در اعمال بیهوده و بی استدلال و خرافاتی همراه با دعاهایی با مضامین مزخرف آورده میشود.

مراسم حج شیطان پرستان یزیدیه:^{۳۶}

یزیدیان علاوه بر روزهای عمومی و خصوصی، نماز و زکات با تفسیر خاص خود که مخالف ادیان الهی است، مراسم حجی دارند که در آن مرقد شیخ عدی را کعبه قرار داده و مراسم خود را در روز پانزدهم سپتامبر شرقی (مطابق روز بیست و هشت سپتامبر غربی) آغاز می کند که تا پنج روز ادامه دارد.

بر هر یزیدی در هر سنی که باشد، واجب است سالی یک بار حج انجام دهد. در این مراسم، شراب میخورند، شادی می کنند و در حضور تصویر طاووس ملک^{۳۷} چیزی برای بزرگان شان میدهند. آن

^{۳۶} کریمی. حمید. جهان تاریخ. ص. ۲۱-۳۶

^{۳۷} نزد یزیدیان همان شیطان است که بر انسان سجده نکرد.

بزرگان با خاک مرقد شیخ عدی قرص هایی درست کرده و میفروشند. بنا بر عقیده ی آنان، قرص ها برای تبرک و حفظ سلامتی جسم و جان خود و خوردن هنگام مریضی مفید است.

امروز لالش^{۳۸} یکی از پرستشگاه ها و محل انجام حج شیطان پرستان یزیدی، می باشد. این محل همانند آتشکده ای بزرگ از سه قسمت تشکیل میشود:

(۱) شبستان... (۲) محوطه ای... (۳) صحن دوزخ^{۳۹}

از جمله اعمال مهم این حج پرتاب دستمال به سنگ برجسته ای که از دیوار غار بیرون زده است. این مرحله اصلی ترین مرحله ی حاجی شدن است که با چشمان بسته از فاصله ی هفت متری دستمال سیاه بزرگی را به طرف سنگ پرتاب می کنند. اگر سه بار موفق شوید این عمل را انجام دهی حج شما قبول است و اگر نشدید، باید دو روز بعد بازگردی و دوباره آن را انجام دهی.

از جمله عقاید آنان را می توان در کتاب مصحف که دومین کتاب دینی آنان است پیدا کرده و در این کتاب آمده است: «از طوفان تا امروز هفت هزار سال است و هر سال یک خدا نازل شده و هر یک قوانین و شریعت ها نیز آورده اند و به آسمان باز گشته اند این خدایان، بدان جهت بر ما نازل می گردیدند که جایگاه مقدس در محل اقامت ما است و در این زمان خدا بیش از گذشته بر ما نازل می شود و با زبان کردی سخن می گوید و به سوی محمد (صل الله علیه و آل وسلم) پیامبر اسلامیان کرنش می کند.»^{۴۰}

موسیقی شیطان پرستان :

توصیه ای که شیطان پرستان در مورد موسیقی ناگزیر به انجام آن هستند؛ به این شرح می باشد:

آهنگ های تند، همراه با خشونت که وحشت و نفرت را با خود دارد «رپ، راک».

مراسم قربانی کردن در شیطان پرستی جدید مفهومی ندارد؛ اما برای آنان که هنوز پیرو شیطان پرستی قدیمی و قرون وسطایی هستند این کار در شبی تاریک انجام می شود. قربانی در آب مقدس غسل داده می شود و بر روی محراب خوابانده می شود. قربانی را بیهوش کرده و پس از کشته شدن خون آن را می نوشند و توسط آتش سوزانده می شود در این مراسم آهنگ ها و ورد های کاملاً بی معنایی و گاهی به زبان عبری، خوانده می شود.

جشن های هالوین:

^{۳۸} روستای در مرکز کردستان عراق

^{۳۹} محلی که حج یزیدی در آن برگزار می گردد.

^{۴۰} مشکور «محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی»، ص ۴۷۳

این جشن ها آمیخته با شب مقدس کاتولیک ها است ، به طوری که شب مقدس کاتولیک ها به هالوین تبدیل شده و طبق عقاید مسیحی، ۳۱ اکتبر یعنی روز هالوین سال روز مادر زمین ، نماد برکت است. در گذشته های بسیار دور ، پیشینان در این دروز انسان های زنده را در زنبیل ها گذاشته و به عنوان قربانی به مادر زمین تقدیم میکردند و با این تقدیم در واقع آنها را زنده به گور کرده و می کشتند.

بنابراین، رفته رفته این شب مقدس کاتولیک به شب هالوین و یا شب ظهور ارواح شریر تغییر یافته است. در چنین روزی برای دست یابی به برکت فراوان (دام و غله) اولین فرزند خانواده را قربانی می کردن و باور داشتن که جادوگران بر جاروی خود سوار و در آسمان به چرواز در می آیند و زنان با شیطان کار جنسی انجام می دهند در این میان شیطان خود شیپور می نوازد و ارواح شریر بر بلندی تپه ها با جادوگران به رقص و پای کوبی می پردازند .

آنان همچنین اعتقاد داشتن که ارواح شریر همراه ارواح مقدس، در این شب بیرون می آیند ؛ از این رو برای پذیرایی از آنها سیب ، گردو ، بادام ، غذا و نوشیدنی در سینی گذاشته و تقدیم به ارواح می کردند.

هنگامی که رومی ها فاتحانه بریبتانیای کبیر را تسخیر کردند. جشن شیطان پرستی را به انگلستان و بلاخره مهاجرین انگلیسی این جشن را با خود به آمریکا هدیه بردند .

امروزه آنچه ظاهراً از این جشن ها مانده ، شادی برای کودکان و تعارف و تقسیم شیرینی و شکلات است ؛ اما اخبار هالوین بیان می دارد حوادثی: نظیر آتش سوزی ، ضرب شتم و مرگ های عجیبی بیشتر از هر وقت دیگر ، در این روز شنیده می شود. در این شب ، انسان های بی خبر از حقیقت قربانی می شوند شاهد دیگری برای معلومین نبوده در این جشن استفاده از وسایلی همچون : اسکلت، ماسک دراکولا، و زخم های مصنوعی روی صورت ، تیوپ های خونی مصنوعی ، ماسک های گربه و سگ و خفاش ، جارو، کدوی نورانی ، خانه های تزئین شده با نور زرد و ... است که در آن شب ، کودکان و بزرگتر ها استفاده می کنند.

این جشن، به طور گسترده در جامعه ی تبلیغ شده و حتی در انیمیشن ها همچون: خانه ی هیولا ها، هری پاتر نیز برای بچه ها مطرح شده و جذاب نشان داه می شود.

هدف ها و نقش موسیقی شیطان پرستی

موسیقی آن هم از نوع خاص، یکی از ابزاری است که گروه های شیطان پرستی نوین برای تبلیغ، گسترش و القای ضد ارزش های خود از آن استفاده می کنند. عمده ی این اقدامات، تا کنون در فضای تاسیس و فعالیت گروه متالیکا دنبال شده است.

(روند وروالی) که متالیکا در گسترش مقوله ی شیطان پرستی تا کنون طی کرده، بسیار قابل توجه است. ظهور یک خواننده ی جدید دقیقاً به عنوان یک شیطان جدید، همواره جمع تازه ای از علاقه های قشر های مختلف مردم در کشور های جهان را (به خصوص جوانان) به خود جلب می کند.

موسیقی متال در شیطان پرستی نقش بسیار حساس و گسترش دامنه ی مخاطبین این گروه می باشد. از سوی دیگر با گذشت زمان خوانندگان متالیکا همه روزه بیشتر تمایلات شیطانی خود را آشکار می سازد. و بدین سان می توان آنها را یکی از عوامل شیطان پرستی معرفی کرد. البته ناگفته نماند که حتی در کشور های غربی نیز برای جلوگیری از این نوع موسیقی، کار های انتقادی زیادی انجام شده و از جمله ی آن می توان به «فرانکو باتیا تو» اشاره کرد. وی یکی از خوانندگان مشهور است که موسیقی راک را رها کرده و طی سخنانی در مورد این موسیقی می گوید: «انسان کافی است پیام های برخی گروه های راک را گوش دهد تا شیطان پرست شود... بسیاری از گروه های راک دچار نوعی تشنج در رفتار شده و پیام های شیطانی خود را در موسیقی وارد می کند در جهان امروز واقعتاً ها به دروغ اعلام می شود و لذا جوانان را باید مطلع کرد.»^{۴۱}

در آهنگ های شیطان پرستی، اعمال شیطانی برای مخاطبین طرح ریزی شده است. این پیام های شیطانی، هم در حین خواندن از طریق فضا و حرکات و متن شعر القا می شود و هم به صورت پنهانی در پشت آهنگ کار گذاشته می شود و از آن طریق منتقل می شود. منظور از پشت آهنگ این است که همان آهنگ از انتها به ابتدا و با دور کند پخش می شود، مطلبی یا عبارتی دیگر با مضمونی سخیف و شیطانی به دست می آید. به عنوان مثال، در پخش یک آهنگ این طور شنیده می شود:

«بوی عطر تو چه دلپذیر است» ولی دقیقاً پشت همین قسمت در حال بر عکس چنین میشود: «شیطان خدای ماست» این نوع کار هارا میتوان در آهنگ های «مدونا» دید در آهنگی از او که قسمت هایی از آن به زبان (اسپانیولی) خوانده می شود، وقتی خواننده به زبان (اسپانیولی) عبارت «گو مو برگن» تکرار میکند در همان قسمت پشت آهنگ به عبارت «به من شیطان گوش بده» تکرار میشود.

به عنوان نمونه این ترک ترانه و برگردان آن دقت کنید:

ترجمه ی اصل:

پایه اصلی ملت

شاد

به آنها بگوئید که ما خیلی دور رفته ایم

^{۴۱} روز نامه ی جمهوری اسلامی ایران به نقل از محمدی نیا، اسدالله. آوای شیطان، ص ۹۸

ملت شاد

نزدیک بیاید و من با شما خواهیم رقصید

ملت شاد؛ به آنها بگویید که ما خیلی دور رفته ایم

ملت شاد، زندگی در میان ملت شاد

جایی که مردم می فهمند

و رؤیای یک انسان کامل وجود دارد؛ موقعیت

ترجمه ی برگردان:

آه شیعه آرزوی اسلام را داشت این خداست. کسی که ...

آه شیعه میفهمد(این بند در برگردان به صورت مولودی تکرار می شود)

شما در اسلام می گوید نعوذ

سلحشور کیست؟ تو اس....

«S حرف نخست کلمه ی شیطان SATAN شیطان است»

آه شیعه می فهمد.

شاید در این جا سؤال ایجاد که این پیام های پشت آهنگ در صورتی فهمیده می شود که دقت بسیار شود و شنونده ای آهنگ در لحظه ی گوش دادن چطور می تواند آن را بفهمد و از آن تأثیر بگیرد؟

برای جواب دادن به این سؤال باید نگاهی به ذهن خداگاه و ناخودآگاه بیندازیم. ذهن خودآگاه ذهنی است به صورت اختیاری واقع و طالبی را که در معرض آن باشد ثبت و ضبط می کند و قدرت ثبت بالایی هم ندارد، چنان که می بینیم فردی کتابی را برای آزمون چند بار می خواند و حفظ می کند، ولی پس از گذشت چند روز فقط مقدار اندکی از آن در ذهنش باقی می ماند ولی ذهن یا ضمیر ناخودآگاه، ذهنی است که تمام وقایع را از طریق حواس پنج گانه به او می رسد و ثبت و ضبط می کند، و بدون فراموشی در محل لازم از آن استفاده می کند، به طور مثال وقتی شخصی از بیرون داخل منزل می شود از او در مورد چیزهایی که مکلف به آن ها نبوده سؤال شود. به راحتی پاسخ آن ها را می دهد.

هم چنین گفته شده که شرکت کوکاکولا وپسی برای تبلیغ محصول خود از همین شیوه استفاده کردند آن ها در فیلم های مطرح هالیوودی در هرچند فرم^{۴۲} یک تصویر از نوشابه های خود قرار داده اند این تصاویر به وسیله ی ذهن ثبت و ضبط می شود و لذا در وقت خرید فرد بر اساس بیشترین تصویری که در ذهن دارد انتخاب می کند.

ذهن انسان پیچیدگی های بسیاری دارد و از فیلتر های محافظ بسیار قوی برخوردار است. فیلتر عقلی راه ورود هرگونه اطلاعاتی در آن که با منطق و باور ها مغایرت دارند می بندد.

ذهن قادر است اطلاعاتی که به آن می رسد، مورد پردازش دقیق قرار دهد، حتی اگر وارونه باشد در ستاد مرکزی ذهن محدودیتی برای فهم زبان های مختلف نیست و هر مطلبی به هر زبانی برای این ستاد قابل فهم است، و این مطلبی کوتاه و جزئی از ذهن ناخودآگاه بوده است که ما به آن واقف نیستیم و اثرات آن روی عملکردهای انسان ظاهر می شود.

ویلیم دورل در بخشی از پژوهش خود می نویسد:

« در مغز انسان دستگاهی مانند کامپیوتر قرار دارد، که اطلاعات غیر منطقی فهم را از مغز دور می کند، سیستم ارزش یابی این دستگاه بر اساس منطق است؛ اگر چنین اطلاعات خارج از منطق انسان وارد این دستگاه شود این اطلاعات را از مغز دور می کند... ولی هرگونه اطلاعاتی به بخش خاص از مغز برسد مغز بدون چون و چرا پذیرفته و آن را جزء قواعد آماده خود قرار می دهد. با این روش می توان به سادگی اطلاعات خاصی را وارد سیستم اطلاعاتی خود کنیم»^{۴۳}

حال باتوجه به آنچه آمد تأثیر موسیقی کمی روشن شد اما این گروه ها از خصوصیت موسیقی چه استفاده ای می کنند؟ و چه مطالبی را انتقال می دهند؟

گروه های شیطان پرست موسیقی راک طبق نوشته ها و اعلامیه هایشان نفس و زندگی خود را به شیطان سپردند چون شیطان را خدای خود می دانند.

این گروه های شیطانی با چنان قدرتی کار خود را انجام می دهند که می توانند مردم را مورد صدمه قرار دهند و حتی به خود کشی ترغیب کنند؛

^{۴۲} واحد تصویر است. هر ثانیه ی تصویر بر اساس سیستم PAL از ۲۴ عکس پی در پی درست شده است.

^{۴۳} کریمی. حمید. جهان تاریخ. ص ۱۲۸

در بررسی روزنامه‌ها و رسانه‌های همگانی می‌توان نمونه‌ی جنایت و خودکشی مخاطبین این کنسرت‌ها را به صورت نمودار غیر عادی کشتار، تجاوز به عنف، خودکشی از طریق مواد مخدر بوده است، به طور میانگین این خودکشی‌ها و صدمه‌ها برای گروه «پینک فلوید» به طور «پانزده تا بیست»!!!! نفر بعد از هر کنسرت می‌رسد، برپایه‌ی منتشر شده در غرب از هر هفت نفر جوانی که موسیقی راک گوش می‌دادند یکی از آنها خودکشی کرده است.

دلایل استفاده‌ی از موسیقی

۱- جاذبه‌های مجازی و حاشیه‌ای موسیقی مانند ایجاد فضا برای روابط آزاد دختران و پسران

۲- ارزان و قابل دسترسی بودن موسیقی با توجه به ارتقاء تجهیزات فنی تکثیر و توزیع

۳- راحت کاهش دادن سطح حساسیت یا (حساسیت زدایی) از طریق به نفوذ به خانواده‌ها، شرکت‌ها، اتومبیل‌ها، رایانه‌های شخصی و بلاخره گوشی‌های تلفن همراه.

۴- همگانی بودن زبان موسیقی، به این معنا که نیازه‌ی آموزش و یادگیری ندارد.

۵- نداشتن محدودیت در نوع و تعداد تولید با توجه به امکانات جدید رسانه‌ای.

نمادهای شیطان پرستی

ذهن انسان می‌تواند با ایجاد پیوند میان دو پدیده یا مفهوم، ارتباط خاصی بین آن دو برقرار سازد؛ به گونه‌ای که ذهن با در نظر گرفتن یکی از آنها، به دیگری منتقل شود. به این عمل ذهن، «تداعی معانی» می‌گویند.

"تداعی معانی" شاخه‌های مختلف هنر کاربردهای متعددی دارد. به عنوان مثال می‌توان از هنر سینما یاد کرد که تداعی معانی، نقش بسیار مهمی در ایجاد مقصود کارگردان ایفاء می‌کند.

نمونه‌ای از تداعی معانی در یک فیلم توجه کنید:

در ابتدای فیلم عصر جدید عده‌ای گوسفند که داخل چراگاهی می‌روند و پس از آن کارگردانی که داخل کارخانه می‌رود، نمایش داده می‌شود که هدف کارگردان نشان دادن نادانی کارگردانی است که همچون گوسفندان برای سرمایه‌داران سوسیالیسم کار می‌کنند. انسان از این ویژگی ذهن در زندگی خود استفاده‌های زیادی کرده و امور قرار دادی را فراهم آورده است. مثلاً وقتی صدای در زدن می‌آید، ذهن انسان می‌فهمد فردی پشت در است؛ در این مثال، در زدن را «دال» یا «معنا» یا «مفهوم» می‌گویند.

واین انتقال از اولی به دومی را " دلالت " یا " تداعی معانی " می گویند.

دلالت عبارت است از:

"حالتی از یک شیء که هنگام که علم به وجود آن، ذهن به وجود شیء دیگری علم پیدا می کند".

دلالت اقسام گوناگونی دارد، اما آنچه در این بحث مراد ماست، دلالت وضعی غیر لفظی می باشد که همان " نماد " یا " نشان تصویری نام دارد.

نماد یا نشانه ی تصویری، نقش یا علامتی است که بدون استفاده از کلمات می تواند ما را به چیزی متوجه ساخته، هشدار و یا جهت دهد. در عمل ثابت شده که این نشانه ها ارزش زیادی برای عموم دارند. نخست آنکه آن ها به افراد امکان می دهند تا اطلاعات را خیلی سریع دریافت کند، و دوم آنکه این نشانه ها مشکل تفاوت بین زبان های مختلف را برای مسافرینی که به کشورهای خارجی سفر می کنند مرتفع می سازد.

فواید و تأثیرات نماد

۱. نماد ها همچنانکه بیشتر اشاره شد، با تبادل سریع پیام، روابط اجتماعی میان آدمیان را آسان تر می سازد.
۲. نمادها بر ذهن و جان آدمی اثر می گذارد؛ هرچند او در میان جمع نباشد و قصد ارتباط با دیگران را نداشته باشد. نماد با یادآوری معنا و احضار آن در ذهن، توجه ما را جهت می دهد و غفلت را می زداید. این توجه در شکل دهی اراده ی ما بسیار مؤثر است.
۳. نماد ها باطن و شخصیت فرد را می نمایانند.
۴. نماد افزون بر اینکه معنای خود را می نمایاند، درجه حضور و حیات آن معنا در جامعه بیان می کند، مثلاً التزام مسلمانان به احکام شرعی، اعلام حضور اسلام و حیات آن در جامعه است. امام صادق علیه السلام « تاکعبه باقی است، دین پایدار است.»
۵. نماد توسعه دهنده ی فکر و ایده و فرهنگ در اجتماع است ، اندیشمندان و مصلحان بزرگ از نقش مؤثر و کار آمده نماد در برنامه های اصلاحی و تربیتی خویش بهره ای فراوان برده اند. در میان برنامه های عبادی اسلام، نماز و حج نمادین آشکاری دارد. امام خمینی (ره) کتابهایی در بیان آداب و اسرار نماز به رشته ی تحریر درآورده است، چنانکه می فرماید:
«و بعد ایام چند پیش از این رساله ای فراهم آوردم که به قدر می شود از اصرار صلوا در آن گنجانیدیم، و چون آن را باحال عامه تناسبی نیست، در نظر گرفتم شطری از آداب قبیله ای این معراج را در سلک تحریر در آوردم.»
ایشان در جایی دیگر در بان سر قیام نماز می نویسد:

«بدان که اهل معرفت قیام را اشاره به توحید افعال می دانند؛ چنانچه رکوع را به توحید، و سجود را به توحید ذات اشاره دانند.»

از طرف دیگر گروه ها و فرقه های انحرافی همچون شیطان پرستان نیز برای پیشبرد اهداف شوم و پلید خود از نماد به عنوان ابزاری مهم استفاده می کنند.

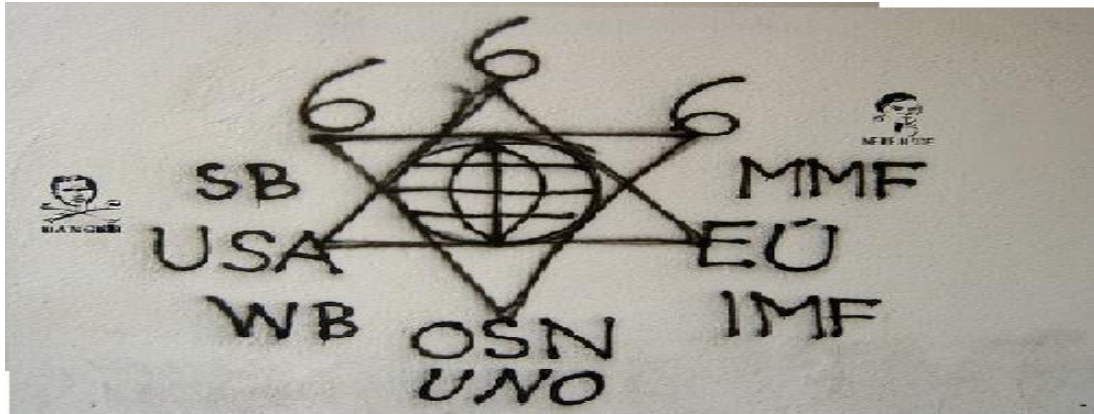
شاید بتوان اهداف این چنین گروه ها را در قالب زیر بیان کرد:

۱. القاء وانتقام مفاهیم و مطالب انحرافی در قالب نمادهای تصویری
۲. یارگیری و تشکیل گروه های مختلف در سراسر جهان چراکه استفاده از نمادها خود نوعی جذب به گروه محسوب می شود، همچنان که امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام می فرماید: «اندک است کسی که خود را هم مانند مردمی کند و از جمله آنان محسوب نیاید.»
۳. جذب افراد با تبلیغ و ترویج نمادها.
۴. ایجاد مدهای جدید مو، لباس، و آرایش.
۵. ایجاد بودجه های اقتصادی برای فعالیت های شوم خود از طریق فروش نمادها به صورت جواهر و لباس.
۶. استفاده و ترویج جادوگری از طریق نماهای آن.
۷. فلسفه بافی و رمز گونه رفتار کردن، پشت پرده ی نمادها.
۸. به سخره گرفتن ادیان دیگر به ویژه مسیحیت با نمادهای مختلف.

معرفی و توضیح نمادها



عدد اهریمنی که نماد شیطان است و نماد دجال یا ضد مسیح یا شیطان بوده و وحشت را تداعی می کند.



ستاره شش پر. این ستاره داوود نیست، و البته بعضی معتقدند روی پرچم اسرائیل همین نماد استنه ستاره داوود، این علامت یکی از رایج ترین علائمی است که رد نیروهای شیطنی و جادو از آن استفاده می شود.



نشان بافومت

ستاره پنج پر و واژگون که در میان آن سر یک بز قرار دارد. این نماد، شیر و اهریمنی است و در میان شیطان پرستان ارزش بساری دارد. همان گونه که در مسیحیت {صلیب} نماد خدا گردیده، نشان بافومت نیز برای شیطان پرستان نشان اهریمن و پلیدی است. این علامت بسیار در جواهر و پایگاه اینترنتی مربوط به کلیسای شیطان، به شکل گوناگون دیده می شود.

پرگار و گونیا:

در وسط این دو علامت، حرف "g" «حرف اول از کلمه ی goat به معنای بز» قرار گرفته است. این نماد را ماسون ها بیشتر استفاده می کنند.



با فومت:

این نماد بز بافومت است که توضیح آن در نماد های قبلی آمد. و کاربرد آن در جواهر و لباس ها می باشد.



اودجت:



طلسمی برای سلامت و محافظت از چشم شیطان، چشمی که سرانجام را می بیند. و زیر نفوذ لوسیفر پادشاه جهنم قرار دارد نمادی از ترس مردگان.

ترویج نمادها در جامعه:

شیطان پرستان به روش های گوناگون نماد های شیطانی را در جامعه تبلیغ، ترویج و پخش می کند. همچنین این نمادها از طرف افراد نا آگاه استفاده شده و ترویج می شوند. تبلیغ و ترویج در این زمینه، از راه های متفاوتی دنبال می شود:

۱. حکومت ها:

در بعضی از جامعه ها، نفوذ شیطان پرستی به حدی است که رهبران سیاسی وحتى مذهبی نیز به ناچار یا به طور دلخواه، با آنها مدارا می کنند و این فرقه را به طور رسمی می پذیرند.

پذیرفتن دولتها ممکن است علاوه بر حالت رسمی به صورت های دیگر نیز باشد؛ از جمله نشان دادن علائم و رفتارهای شیطان پرستان توسط افراد را می توان نام برد.

لاوی به عنوان مؤثرترین فرد در این زمینه، نفوذ بسیاری در میان برخی رهبران سیاسی جهان داشت تا حدی که او را تمجید و مرگ او را ضایعه ی بزرگی برای بشر امروز قلمداد می کند.

روسای جمهور آمریکا از جمله جرج بوش پدر رونالد ریگان، بیل کلینتون، جرج دبلیو بوش، اوباما، وسایر شخصیت های سیاسی مانند سنالتور جان کری رقیب انتخاباتی بوش و حتی همسر بوش لورا بوش و سایر رهبران سیاسی مانند سیلویو بروسکونی نخست وزیر ایتالیا، تامی فرانکس فرمانده ی نیروهای آمریکا در جنگ عراق و... همگی از سیاست مدارانی هستند که به صورت روشن یا انجام بعضی کارها مثل سلام شیطان پرستان به نوعی ارتباط خود را با این جریان نشان داده اند البته این رفتارها درباره ی بعضی از این اشخاص لزوما نشانه ی شیطان پرستی نیست ولی سوالی مطرح است که چرا این رفتار با اظهار نظرها از سوی آنان به طور مداوم دیده میشود؟

۲. فیلم ها:

این نماد به طور دائمی در فیلم های مختلف دیده میشود که باعث تبلیغ و ترویج آنان میگردد. به عنوان مثال میتوان این نمونه هارا اشاره کرد:

فیلم های رمز داوینچی، گنجینه ی ملی، سه ایکس هیلسینگ، طالع نحس، جن گیر، هری پاتر، ارباب آرزوها، ارباب حلقه ها، خانه، مرا به جهنم ببر، بازی کودک، پناه گاه شیطان، سرزمین دور افتاده، مکس پین، گابریل، ارسن لوپن، کشتی ارواح و....

در چنین فیلمهای نمادها معرفی میشوند و مطرح میشوند و در بعضی فیلمها راه حل مشکل یا امر مهم درک همان نماد است و قهرمان فیلم به طور دائمی با آن نماد درگیر است.

۳. اینترنت:

در وبلاگها و پایگاههای اینترنتی اشخاص برای تبلیغ و ترویج این نمادها تلاش می کنند. در صدر آن ها می توان از پایگاه اینترنتی کلیسای شیطان را یاد کرد که نمادها را به صورت مختلفی معرفی و تبلیغ می کردند. ناگفته نماند در بعضی پایگاههای اینترنتی به بررسی مفاهیم آن ها می پردازند که گاهی به دلیل نبود تخصص و آگاهی کافی، باعث تبلیغ بیشتر آن ها می گردید.

منابع و مؤخذ:

۱. قرآن کریم
۲. شناخت و بررسی شیطان پرستی، جواد امین خندقی، انتشارات توس، چاپ پنجم، ۱۳۸۹
۳. شناخت و نقد فرقه ی شیطان پرستی، حمید کریمی، انتشارات مرکز و چاپ نشر دفتر تبلیغات حوزه علمیه، چاپ هفتم، ۱۳۸۸
۴. جهان تاریک، حمید کریمی، انتشارات مرکز و چاپ نشر دفتر تبلیغات حوزه علمیه، چاپ هفتم، ۱۳۸۸